

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قسمتی از مشکلات جوانان و روش درمان آن با اسلام

مؤلف: شیخ صالح بن فوزان بن عبدالله

مترجم: پدram اندایش

نام کتاب: قسمتی از مشکلات جوانان و روش درمان آن با اسلام

مؤلف: شیخ صالح بن فوزان بن عبدالله

مترجم: پدram اندایش

ناشر: بوکان - انتشارات

نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۶

چاپ: بوکان - رامان

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ریال

کلیه حقوق چاپ و نشر برای مؤلف محفوظ است.

فهرست

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه.....
۲.....	دوران جوانی در زندگی.....
۴.....	راهنمایی‌های رسول ﷺ به جوانان.....
۶.....	توجه به جوانان.....
۱۱.....	مشکلات جوانان و سببهای آن.....
۱۶.....	درمان قطعی برای مشکلات جوانان.....
۱۹.....	جوانان و ازدواج.....
۲۴.....	ازدواج و فایده‌ی دیگر آن:.....

مقدمه

شکر و ستایش برای الله تعالی است، او را حمد گفته و از او کمک می‌طلبیم و از او طلب آمرزش می‌کنیم و به سوی او توبه می‌نماییم. به الله پناه می‌بریم از شرّهای درونیمان و از نتیجه‌ی بعد اعمالمان. کسی را که الله تعالی هدایت نماید، گمراه کننده‌ای ندارد و کسی را که گمراه سازد، هدایت کننده‌ای ندارد. گواهی می‌دهم که پرستش شونده‌ی برحقّی جز الله وجود ندارد و یکتا و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم محمد بنده و فرستاده‌ی وی می‌باشد، او را قبل از قیامت بشارت دهنده [به پاداش الله تعالی] و ترساننده [از عذاب وی] مبعوث نموده است و همچنین دعوت کننده‌ای به سوی الله تعالی به اذن او و چراغی روشن می‌باشد. رسالت را رساند، امانت را ادا نمود و برای امت خیرخواهی کرد و در راه الله تعالی به اندازه‌ی حق جهادش جهاد نمود، صلی الله علیه و علی آله و أصحابه و أتباعه إلی یوم الدین و سلم تسلیماً کثیراً، أما بعد:

سخن من با شما درباره‌ی موضوع مهمی است که برای تمامی مسلمانان مهم است و آن همان موضوع جوانان و مشکلات آنها است. شایسته است که در این‌باره راهنمایی صورت گیرد، ولی نمی‌توانم موضوع را آنچنان که است بیان دارم و آن فقط کوششی در حد توان می‌باشد و آن اشاره کردن یا آگاه سازی می‌باشد و الله تعالی توفیق دهنده می‌باشد.



دوران جوانی در زندگی

ای برادران! شکی وجود ندارد که دوره جوانی در زندگی دوره‌ی مهمی می‌باشد، اگر آنها اصلاح شوند، امت را برپا می‌دارند و نشر دین و دعوت به سوی آن را به انجام می‌رسانند؛ زیرا الله تعالی به آنها قوت بدنی و قوت فکری عطا نموده است که این امر در افراد دارای سن بالا وجود ندارد و کسانی که سنشان بالا است در تجربه و آگاهی بر آنها برتری دارند، ولی در اغلب موارد دارای ضعف جسمی و ضعف قدرت می‌باشند و نمی‌توانند، آنچه را که جوانان قوی انجام

می‌دهند، انجام دهند.

این چنین بود که جوانان صحابه رضی الله عنهم نقشی بزرگ در نشر دین داشتند و در دین الله تعالی فقیه شدند و در راه او جهاد نمودند. از مثالهای آنان: عبد الله ابن عباس، عبد الله بن عمر، عبد الله بن عمرو بن العاص، معاذ بن جبل، زید بن ثابت و دیگر جوانان صحابه رضی الله عنهم بودند، کسانی که علم نفع رساننده را ذخیره کردند و برای این امت از میراث پیامبرشان صلی الله علیه و آله محافظت نمودند و آن را به آنها رساندند و در کنار امیرشان باقی ماندند؛ مانند خالد بن الولید، مثنی بن حارثه الشیبانی و دیگران... تمامی آنها امتی واحد بودند و مسئولیت واجب خود را بجا آوردند و دوره‌ای بزرگ در جهت دین، امت و اجتماع خود، ایجاد کردند و آثار آن تا به امروز باقی مانده است و به اذن الله تعالی تا زمانی که اسلام باقی باشد، آنها باقی می‌مانند. جوانان این زمان وارثان آن کسانی هستند که خودشان را نیکو گرداندند و منزلت خود را شناختند و امانت را بر گردن گرفتند. اینان وارثان آن جوانان اولیه می‌باشند. پیامبر صلی الله علیه و آله

از هفت گروه خبر داده است که الله تعالی آنان را در سایه‌ی خود قرار می‌دهد در روزی که هیچ سایه‌ای جز سایه‌ی او وجود ندارد. از آنها جوانی است که در جوانی مشغول عبادت الله تعالی بوده است.



راهنمایی‌های رسول ﷺ به جوانان

پیامبر ﷺ جوانان را راهنمایی می‌نمود، به ابن عباس رضی الله عنهما فرموده است: «یا غلام: إني أعلمك كلمات، احفظ الله يحفظك، احفظ الله تجده تجاهك، إذا سألت فاسأل الله، وإذا استعنت فاستعن بالله» (ای جوان! به تو سخنانی را می‌آموزم، الله را حفظ کن تا تو را حفظ نماید، الله تعالی را حفظ کن او را همراه خودت می‌یابی و وقتی در خواستی داشتی از الله [تعالی] درخواست کن و اگر کمک طلبیدی، از الله [تعالی] کمک بطلب!). به معاذ بن جبل ؓ در حالی که با او بر الاغی سوار شده بودند، فرمود: «یا معاذ: أتدري ما حق الله على العباد، وما حق العباد على الله» (ای معاذ! آیا حق الله بر

بندگان و حق بندگان بر الله [تعالی] را می‌دانی؟) تا آخر حدیث.

به عمر بن ابی سلمه رضی الله عنهما در حالی که کودکی کوچک بود و می‌خواست با پیامبر ﷺ چیزی بخورد و دستش را دراز نمود و پیامبر ﷺ دست او را گرفت و فرمود: «یا غلام، سم الله وکل بيمينک وکل مما يليک» (ای پسر! الله را نام ببر و با دست راست بخور و از آن غذایی که به تو نزدیکتر است و جلوی ظرف است بخور!).

این راهنمایی‌های پیامبر ﷺ برای کودکان بوده است تا در قلب آنها آداب بزرگی قرار دهد و این اهمیت راهنمایی نمودن جوانان به خیر و همچنین مسئولیت بزرگان در برابر آنها را می‌رساند.



توجه به جوانان

دین اسلامی ما، توجه آشکاری، به تربیت جوانان دارد؛ زیرا آنان مردان آینده هستند و آنان کسانی هستند که جانشین پدرانشان می‌شوند و از آنها ارث می‌برند و زندگی را بعد از آنها به جریان می‌اندازند. از راهنمایی‌های اسلام در توجه به جوانان این موارد می‌باشد:

اول: انتخاب همسری صالح:

امری است که باعث به وجود آمدن فرزندان می‌شود و آن مکان کشت دادنی است که فرزندان از آن می‌رویند؛ پیامبر ﷺ به انتخاب همسر صالح تشویق نموده است و فرموده است: «اظفر بذات الدین تربت یداک» (زن دیندار انتخاب کن! آفرین بر تو باشد!) اگر همسر صالح باشد، وقتی الله تعالی به آنان فرزند می‌دهد، آن فرزند را راهنمایی می‌نماید و از زمان کودکی به تربیت اسلامی آنها توجه می‌نماید و این از راهنمایی‌های اسلام به جوانان است.

دوم: انتخاب اسم نیکو برای فرزند:

از راهنمایی‌های اسلام انتخاب اسم نیکو برای فرزند در همان ابتدای تولد است؛ زیرا اسم نیکو دارای معنی بوده و به تربیت فرزند کمک می‌کند؛ پیامبر ﷺ پدران را تشویق فرموده است تا اسم نیکو برای فرزندان انتخاب کنند و از اسمهای مکروه یا اسمهایی که معنای غیر شایسته دارند، دوری کنند.

سوم: عقیقه‌ی پدران برای فرزندان:

از راهنمایی‌های اسلام به جوانان این است که پدران برای فرزندانشان عقیقه بدهند. به این معنا که برای عقیقه دادن برای آنها حیوانی ذبح نمایند. زیرا آن سنت مؤکد بوده و بر پاکی فرزند تأثیر دارد و فقط منظور بدست آمدن و گوشت و شادی نمی‌باشد و این از راهنمایی اسلام به جوانان در اول به دنیا آمدن فرزند آنها می‌باشد.

چهارم: کوشش کردن به تربیت جوانان:

از توجهات اسلام به جوانان کوشش به تربیت آنها می‌باشد و وقتی به سن تشخیص رسیدند و دارای درک شدند،

در آن هنگام باید دین را به آنها آموخت؛ پیامبر ﷺ فرموده است: «مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعِ سِنِينَ، وَاضْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا وَهُمْ أَبْنَاءُ عَشْرِ سِنِينَ، وَفَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ» (وقتی فرزندانان هفت ساله شدند آنها را به نماز امر نمایید و اگر ده ساله شدن برای ترک آن، آنها بزنید و محل خواب آنها را جدا کنید!) این از راهنمایی‌های اسلام برای تربیت جوانان می‌باشد و بر حسب توانایی و درک آنها به آنها توجه نموده است.

این پیامبر ﷺ است که فرموده است: «كُلْ مَوْلُودٌ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ فَأَبَوَاهُ يَهُودَانِهِ أَوْ يَنْصَرَانِهِ أَوْ يِمَجْسَانِهِ» (هر فرزندی بر اساس فطرت اسلام به دنیا می‌آید و این پدر و مادر او هستند که او را یهودی یا مسیحی یا آتش پرست می‌کنند). فرزند بر اساس فطرت به دنیا می‌آید و این فطرت را اگر پدر و مادر حفظ کنند و آن را در راه خیر راهنمایی کنند، به خیر می‌رسد؛ زیرا او خاکی صالح است. ولی اگر پدر و مادر در تربیت فرزند انحراف داشته باشند، فطرت او فاسد می‌شود و بر حسب تربیت، فرزند منحرف می‌گردد؛ اگر پدر

یهودی یا مسیحی یا آتش پرست باشد، این فرزند در آن دین خبیث تربیت می‌شود و فطرت او فاسد می‌گردد. اما اگر پدر او مسلمان و صالح باشد او فطرت فرزند خود را بر فطرتی که الله تعالی به او داده است، حفظ می‌کند و فرزند رشد پیدا کرده و پاک می‌گردد و متعهد می‌شود.

پنجم: واجب بودن نیکی کردن به پدر و مادر:

از راهنمایی‌های اسلام به جوانان در سن جوانی این است که اگر پدر و مادر او، در سن پیری در نزد وی بودند، یا یکی از آنها، به آنها نیکی نماید و به یاد بیاورد که وقتی کوچک بود، آنها او را تربیت نمودند، الله تعالی می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا * وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾
[الإسراء الآيتان: ۲۳، ۲۴] (اگر در زمان پیری یکی از آنها، یا هر دوی آنها، به نزد تو رسیدند، به آنها [حتی یک] اف نگو و آنها را مران و با آنها به شکلی گرامی سخن بگو! * و بال

مهربانی‌ات را بر آنها بگستران و بگو: پروردگارا! به آنها رحم نما! همان گونه که وقتی کوچک بودم مرا پرورش دادند). نکته‌ای که در این دو آیه، باید به آن نگریسته شود، این سخن الله تعالی است: ﴿كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾ (همان گونه که وقتی کوچک بودم، مرا پرورش دادند). تربیت پدر و مادر به فرزندان نعمت و نیکوکاری به وی می‌باشد و باید آن برای پدر و مادر جبران شود. منظور از پرورش، فقط پرورش بدنی نمی‌باشد که شامل رساندن غذا و نوشیدنی می‌باشد، این تربیت لازم است، ولی امر مهم‌تر، پرورش معنوی است و آن محافظت از فطرت سالم است و راهنمایی او به سوی خیر و قرار دادن خیر در اوست و تربیت بر اساس آن می‌باشد. این تربیت مفیدی است که آثار آن بر فرزند باقی می‌ماند و همراه او رشد می‌کند و همراه او خواهد ماند.

اما فقط تربیت بدنی همان چیزی است که فاسد کردن آن بیشتر از اصلاح آن می‌باشد؛ زیرا اگر به فرزند غذا و نوشیدنی و نیازهای دنیوی به صورت زیاد برسد و در تربیت صحیح او

کوتاهی شود، این امر او را به تربیتی به مانند تربیت چهارپایان سوق می‌دهد.

اما اگر هر دو تربیت ایجاد شود: گریزی وجود ندارد که تربیت جسمی در حد معقول آن و در مرزهای مشروع آن و بدون اسراف و تبذیر باید صورت گیرد و در کنار آن باید تربیت معنوی وجود داشته باشد؛ این همان خیر بسیاری می‌باشد که فرزند باید آن را در قبال پدر و مادر خود یاد کند و همان گونه که الله تعالی امر می‌فرماید، باید بگوید: ﴿رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾ [الإسراء الآية: ۲۴] (پروردگارا! به آن دو رحم کن! همان گونه که وقتی کوچک بودم مرا پرورش دادند).

مشکلات جوانان و سبب‌های آن

ای برادران!

از نکاتی که می‌خواهیم درباره‌ی آن سخن بگوییم: بعضی از مشکلات جوانان است که شایسته است با نور اسلام آن را

درمان کنیم و شکی وجود ندارد که اسلام تمامی مشکلات را حل می‌کند و اگر اسلام تطبیق صحیح داشته باشد، مشکلی در زندگی باقی نمی‌ماند. این مشکلات جوانان در این زمان است و تعداد آن مشکلات زیاد می‌باشد:

اول: جریانهایی که جوانان را مورد هدف قرار داده است:

* بر جوانان امروز جریانهای خطرناکی وجود دارد و این از بزرگترین مشکلات آنها می‌باشد، اگر او را به حال خود رها کنیم، اخلاق، سلوک و عقیده‌ی آنها را فاسد می‌کند و این جریانات زیاد و متنوع و متعددی هستند که از طریق راه‌های گوناگون به آنها می‌رسند، مانند: رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها، مجلات و کتابهایی که چاپخانه‌ها آن را چاپ می‌کنند و آنها دارای سم‌کشنده بوده و جوانان را مورد هدف قرار داده است یا بسیاری از جوانان که قدرت تشخیص امور ضرر رساننده و نفع رساننده را ندارند را به فتنه می‌اندازد.

این جریانات متنوع، خواندنی، دیدنی و شنیدنی هستند و اگر رها شوند، جوانان را ویران می‌کنند و نتایج وخیمی به

دنبال دارند، به همین دلیل است که عده‌ی زیادی از جوانان امروزه اخلاقشان تغییر پیدا کرده است و شروع به تقلید از غرب و شرق نموده‌اند و آن در لباس پوشیدن، در فهم، حرکات آنها ایجاد شده است و آن وقتی است که این وسایل این امر را به آنها می‌شنوند و یا آنها آن را می‌خوانند و در اغلب اوقات پلیدی زیادی در فاسد کردن آنها به وجود می‌آید.

از مهمترین آنها تغییر عقیده‌ی آنها است و بعضی از جوانان مسلمان، ملحد یا کمونیست شده یا به دیگر افکار ویران کننده گرایش پیدا می‌کنند؛ زیرا او دائماً در آماج این دعوتها قرار گرفته و به آسانی این موارد به او می‌رسد و ذهن او در برابر این افکار خالی می‌باشد، حفاظ و علمی برای او وجود نداشته و ضرر این شبهه‌های سمی یا آن دعوت گران به سوی گمراهی را متوجه نمی‌شود و او آنچه را که به او می‌رسد، قبول می‌کند. همان گونه که شاعر گفته است:

أتانی هواها قبل أن أعرف الهوى فصادف قلباً خالياً فتمكّنا
هوای آن به من رسیده است و به قلبی خالی برخورد
قبل از آن که هوی را بشناسم. کرده است و در آن جای
گرفته است.

جوانی که به سرعت در هجوم این دعوتها قرار می گیرد و
او بر ضد آنها، ذهنش خالی می باشد و در آن علم نافع وجود
ندارد، شکی وجود ندارد که این افکار در ذهن او رسوخ پیدا
می کند و جذب نشدن به آن برای وی سخت می شود و این از
مشکلات جوانان در این روزگار می باشد.

دوم: مشکل انحراف در تصور، اخلاق و فکر نمودن وی و از دلیلهای آن
این موارد می باشد:

اول: وجود وسایل ارتباط جمعی:

– نمی گویم تمامی وسایل ارتباط جمعی – و باید صالح
و مفید آنها جدا شود و صالح آن کم است و ضرر دارنده ی آن
زیاد می باشد.

دوم: سفر نمودن به خارج:

جوان به خارج سفر می‌کند، به سرزمین‌های کفر و به سرزمین‌های منحرف که اخلاق در آنها ضایع گشته است و عقاید در آن فاسد شده است، می‌رود؛ تا بنگرد که در این سرزمین‌ها چه می‌باشد؟ اباحه‌گری و فکرهاى فاسد را مشاهده می‌کند و چیزی نزد او وجود ندارد که در برابر آنها از خود دفاع کند یا آن که زشتی آنها را ببیند و نزد او دفاع کننده‌ی کافی وجود ندارد یا آن که اصلاً دفاع کننده‌ای ندارد، او جوان است و در ابتدای جوانی می‌باشد و اگر به این سرزمین‌ها سفر کند و با اهل آن ارتباط بگیرد، به سرعت دین خود و اجتماع اسلامی خود را زشت می‌شمارد و با دست خالی بر می‌گردد.

این از سبب‌های انحراف در اخلاق و عقاید جوانان می‌باشد و آن همان سفر به خارج است، خارجی که فساد در آن موج می‌زند.

سوم: از اسباب آن جهل داشتن است:

تعداد زیادی از جوانان به دینشان جهل دارند، زیرا آنها ارتباط زیادی با دینشان و علمی که انسان را حفظ می‌کند را ندارند، همان چیزی که توسط آن بین پاک و پلید، نفع رساننده و دارای ضرر و حلال و حرام جدایی می‌اندازد.

به این سبب‌ها و دیگر سببهایی که بر اثر جریانات ویران کننده‌ی موجود، به وجود می‌آیند، بر جوانان اثر زیادی گذاشته می‌شود و در نتیجه آثار آن ظاهر شده و شرّهای آن بزرگ می‌شود و خطر آن وخیم می‌گردد.

درمان قطعی برای مشکلات جوانان

درمان این مشکل اگر برای الله تعالی و فرستاده‌اش ﷺ و کتابش و امامان مسلمان و عموم آنها خیرخواهی صورت گیرد، درمانی آسان می‌باشد و به راحتی از این امور رهایی حاصل می‌شود.

امر اول:

اصلاح برنامه‌های آموزش ارائه شده در مدارس، به طوری که این برنامه‌ها مملو از علوم دینی سودمند و عقاید صحیح باشند، در آنها بین حلال و حرام در معاملات جدایی صورت گیرد و همچنین در خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها، عاداتها و اخلاق، تا آنجا که قلبهای آنها پُر از علم سودمند شود که در صورت رجوع به آنها، بین پاک و خبیث فرق گذاشته شود و شبهه‌های که به آنها می‌رسد را جواب دهد:

✱ اصلاح برنامه‌ها در وهله‌ی اول.

✱ انتخاب معلمان صالح کسانی که این برنامه‌ها و این علمهای نافع را درک کرده‌اند تا آن را به قلبهای جوانان برسانند و آنها را به آن تشویق نمایند.

امر دوم:

ارتباط جوانان با علماء، به صورت گروه‌هایی در مساجد و مدارس و دیگر مکانها، انجمنهایی که در آنها به مشکلات آنها جواب داده شود و راه در جلوی آنها باز شود و این

مسئولیت بزرگی برای علماء در قبال جوانان مسلمان می‌باشد. ولی با این وجود می‌گوییم و بارها آن را تکرار می‌کنم، مشکل بزرگی که وجود دارد این است که بین جوانان و علماء فاصله افتاده است و غالباً علماء در جایی هستند و جوانان در جایی دیگر و این سبب ضایع شدن جوانان می‌شود. اگر جوانان با علماء ارتباط داشته باشند، امر آنها برایشان آشکار می‌شود، ولی امروزه جوانان از علماء جدا شده‌اند و در نتیجه این بدبختی‌های بزرگ ایجاد شده است.

امر سوم:

از اموری که این انحراف را درمان می‌کند و جلوی جریاناتی که متوجه جوانان شده است را می‌گیرد، منع نمودن سفر آنها به خارج، مگر برای ضرورت می‌باشد و همچنین باید ضوابط و تضمین‌هایی قرار داده شود تا آنها را از سفر به سرزمین‌های کفر باز دارد. اگر رها شوند تا مسافرت نمایند، خطر بزرگی در کمین آنها خواهد بود.

امر چهارم:

اصلاح وسایل ارتباط جمعی، تا آن که برنامه‌ای در آنها وجود نداشته باشند، مگر آن که اصلاح شده باشد و مفید و متوجه‌ی امور خیر باشد.

جوانان و ازدواج

از مشکلات جوانان خودداری آنها از ازدواج است و آن مشکل بزرگی می‌باشد و ضررهای بزرگی دارد که آنها را به طور کامل کسی نمی‌داند، مگر الله تعالی.

آنها بهانه‌هایی برای این خودداری دارند:

اول: سخن آنها که ازدواج در مقابل درس خواندن و آماده شدن برای آینده، مانع ایجاد می‌کند.

دوم: سخن آنها که ازدواج برای جوانان مسئولیت خرج کردن برای همسر و فرزندان را به دنبال دارد.

سوم: از خطرناک‌ترین مسائلی که باعث نفرت جوانان از ازدواج می‌شود، مشکلاتی است که در راه ازدواج وجود دارد

و آن مجبور شدن به مشکلات و اسرافى است که جوان توانایی آن را ندارند.

به نظر من این مشکل از مهمترین سببها می باشد و درمان این مشکل آسان و میسر است. اگر ما نیت خود را صادقانه کنیم، برای جوان آشکار می شود که در ازدواج مزایا، نیکویی ها و خیرهایی وجود دارد که بر آن سختی ها و مشکلات ارجحیت دارد و در این دنیا چیزی نیست، مگر آن که در مقابل خود چیز دیگری دارد.

من نمی گویم، ازدواج به هر طریقی میسر می باشد و در آن سختی یا مشکلاتی وجود ندارد، بلکه دارای سختی و مشکلات است، ولی مصلحت های آن برتر از مشکلات آن است. نکات مثبتی را در مصلحت های ازدواج بیان می دارم تا جوانان قانع شده و به ازدواج رغبت نشان دهند:

اول: در آن، عفاف از شهوت و کوتاه شدن نگاه از نامحرم وجود دارد. این سخن پیامبر ﷺ به آن راهنمایی می کند: «یا معشر الشباب من استطاع منکم الباءة فلیتزوج فإنه أغض

للبصر، وأحصن للفرج، ومن لم يستطع فعليه بالصوم» (ای گروه جوانان! کسی از شما که می‌تواند، ازدواج کند، زیرا آن، نگاه را کوتاه می‌کند و شهوت را حفظ می‌کند و کسی که نمی‌تواند [ازواج کند] روزه بگیرد). پیامبر ﷺ جوانان را راهنمایی نموده است و آنان را به این امر اختصاص داده است، زیرا آنها دارای استعداد ازدواج می‌باشند و آنها توانایی آن را دارند که به این امر مبادرت نمایند و آن را به شکل سالم انجام دهند و در نتیجه فایده می‌برند.

شایسته جوان است که در سن پایین ازدواج نماید و این برای کسی است که توانایی آن را دارد. توانایی - و شکر الله تعالی خصوصاً در زمان ما [و در کشور ما]^۱ - در اغلب موارد

۱ - این امر در کشورهای شبه جزیره‌ی عربی وجود دارد، ولی جوانان ایرانی که نمی‌توانند به علت مسائل مادی ازدواج کنند، می‌توانند به سنت پیامبر ﷺ عمل نموده و به غیر از روزه‌ی ماه رمضان، روزه‌های مستحبی نیز بگیرند تا شهوت آنها فروکش کند، البته راه

موجود می‌باشد و جوانان یا بسیاری از جوانان برای ترک ازدواج عذری ندارند و پیامبر ﷺ مزایای ازدواج را بیان فرموده است و آن حفظ شهوت است که شهوت از خطرناکترین امور می‌باشد.

الله ﷻ می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ * إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ﴾ [المعارج: ۲۹، ۳۰] (و کسانی که از شهوت‌هایشان محافظت می‌کنند * مگر برای زنانشان یا آنچه از مُلکِ یمین که دارند و آنها سرزنش شده نمی‌باشند).

آن شهوت را حفظ می‌نماید. ازدواج از خطر بزرگی انسان را ایمن می‌دارد و آن خطر شهوت است، زیرا آن به



دیگری نیز وجود دارد و آن استفاده از تکنیک‌های روانشناسی است که شخص با اراده‌ی خود کاری می‌کند که احساس سرما می‌نماید و در نتیجه‌ی آن، شهوت را تا سه روز فراموش می‌کند. (مترجم)

مانند قلعه‌ای برای شهوت می‌باشد و همچنین نگاه را از نامحرم کوتاه می‌دارد، وقتی ازدواج می‌نمایید، در آن برای شما چشم روشنی واقع می‌شود، در نتیجه به اینجا و آنجا نگاه نمی‌شود یا آن که از آنچه الله تعالی حرام نموده است، اطلاع یافته نمی‌شود؛ زیرا الله تعالی با حلالش او را از حرام بی‌نیاز می‌دارد و با بخشش خود او را از دیگر مسائل بی‌نیاز می‌گرداند و ازدواج شهوت را در قلعه‌ای قرار داده و نگاه به نامحرم را کوتاه می‌کند.

دوم: ازدواج باعث آرامش درونی و راحتی می‌شود؛ الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾ [الروم، الآية: ۲۱] (و از نشانه‌های او این است که از خودتان همسرانی آفرید تا در کنار آنها به آرامش برسید و بین شما مهربانی و رحمت قرار داد). وقتی جوان ازدواج می‌کند، آرامش می‌یابد و اضطراب و دل‌نگرانی از او از بین می‌رود و درونش آرام می‌گیرد، ﴿لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا﴾ (تا در کنار او به

آرامش برسید). زیرا جوان دارای دغدغه‌ی فکری است و ازدواج او باعث آرامش درونی و اطمینان خاطر و راحتی او می‌شود و در ادامه‌ی آن به خیرهای بسیاری دست می‌یابد.



ازدواج و فایده‌ی دیگر آن:

از فایده‌های ازدواج حاصل شدن فرزند می‌باشد، کسانی که برای انسان نور چشم می‌شوند؛ الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ﴾ [الفرقان: ۷۴] (و کسانی که می‌گویند: «پروردگار ما! از همسران ما و فرزندان ما برای ما نور چشم قرار بده!») در نتیجه همسران و فرزندان نور چشم می‌شوند؛ این وقتی است که الله سبحانه و تعالی وعده داده است و باخبر فرموده است که با ازدواج نور چشم حاصل می‌شود و این امری است که جوان را شجاع می‌نماید و او را قانع می‌سازد تا ازدواج کند، ﴿رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ﴾ (پروردگار ما! از همسران ما و فرزندان ما برای ما نور چشم قرار بده!).

این چنین است که الله سبحانه و تعالی باخبر فرموده است که فرزندان قسمتی از زینت زندگی دنیوی هستند، می فرماید: ﴿الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾ [الكهف، الآية: ۴۶] (مال و فرزند زینت زندگی دنیوی هستند).

در نتیجه فرزندان زینت زندگی دنیوی هستند و انسان به دنبال زینت می باشد.

همان گونه که او در طلب مال است، در طلب فرزندان نیز می باشد و آنان به مانند مال، قسمتی از زینت زندگی دنیوی هستند. این در دنیا است و باقی مانده ی آن در آخرت می باشد، در آخرت نیز فرزندان صالح به پدران شان منفعت می رسانند. پیامبر ﷺ فرموده است: «إِذَا مَاتَ ابْنُ آدَمَ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ: عِلْمٌ يَنْتَفِعُ بِهِ، أَوْ صَدَقَةٌ جَارِيَةٌ، أَوْ وَلَدٌ صَالِحٌ يَدْعُو لَهُ» (وقتی بنی بشر می میرند، عمل آنها قطع می شود، مگر در سه چیز: علمی که با آن سود رساننده شود یا صدقه ای که جاری باشد، یا فرزند صالحی که برای او دعا نماید) در نتیجه در فرزندان مصلحت های بزرگ در زندگی و

بعد از مرگ به وجود می‌آید.

این چنین است که ازدواج باعث زیاد شدن امت اسلام می‌شود و در پی آن اجتماع اسلامی زیاد می‌شود، پیامبر ﷺ فرموده است: «تزوجوا الولود الولود فإني مكاثر بكم الأمم يوم القيامة» (برای دوست داشتن فرزند، ازواج کنید، زیرا من با زیاد بودن شما در روز قیامت [خوشحال] می‌شوم).

در نتیجه‌ی ازدواج، مصلحت‌های بزرگ ایجاد می‌شود و این مواردی بود از این مزایا که آن را شرح دادیم و با انجام ازدواج مشکلات از بین می‌رود و نباید از آن خودداری شود. اگر گفته شود: ازدواج انسان را از تحصیل علم و درس خواندن باز می‌دارد، این برای مسلمان نمی‌باشد، بلکه در واقع برعکس آن درست است؛ زیرا با ازدواج مزایایی حاصل می‌شود که ما آنها را بیان داشتیم و از آنها: آرامش، اطمینان خاطر، راحتی درون و نور چشمی می‌باشد و این مسائل به طالب علم در بدست آوردن آن کمک می‌کند؛ وقتی درون او آرامش یابد و فکرش از دلهره رهایی یابد، این امر به او در

بدست آوردن علم کمک می‌کند.

اما ازدواج ننمودن، در حقیقت همان چیزی است که بین شخص و بدست آوردن علم فاصله می‌اندازد؛ زیرا او دارای فکر مشوش و درون با اضطراب است و تحصیل علم برای او ممکن نمی‌شود، ولی وقتی ازدواج می‌کند به آرامش می‌رسد و درونش راحت می‌شود و خانه‌ای می‌یابد که در آن پناه می‌گیرد و همسر او مونس او می‌شود و به او کمک می‌نماید و این امور به تحصیل علم کمک می‌کنند.

ازدواج موفق اگر صورت بگیرد، زمینه را مساعد می‌کند تا شخص در تحصیل علم قدم بردارد و این برخلاف تصور شخص می‌باشد که این امر او را از آن منع می‌کند.

سخن دیگر آنها این است که ازدواج باعث مشغولیت خرج کردن برای فرزندان و همسر می‌شود؛ این امر مسلمی نیست؛ زیرا ازدواج باعث آمدن برکت و خیر می‌شود؛ زیرا آن اطاعت از الله تعالی و فرستاده‌اش می‌باشد و تمامی طاعات خیر می‌باشد؛ اگر جوان برای انجام دادن امر پیامبر ﷺ ازدواج

کند و به دنبال آن خیری باشد که به او وعده داده شده است و نیت خود را صادق کند، این ازدواج سبب خیر برای او می-شود و روزی دادن در دست الله ﷻ است؛ الله تعالی می-فرماید: ﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا﴾ [هود، الآیه: ۶] (و موجود زنده‌ای بر روی زمین نمی-باشد، مگر آن که روزی دادن او بر الله [متعال] است).

کسی که ازدواج را برای تو میسر می-نماید، روزی تو و روزی فرزندان را نیز برایت میسر می-گرداند؛ الله تعالی می-فرماید: ﴿نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ﴾ [الأنعام، الآیه: ۵۱] (ما شما و آنها را روزی می-دهیم).

ازدواج آن گونه نمی-باشد که بعضی از جوانان می-پندارند که سخت‌تر از طاقت آنها است؛ زیرا همراه آن خیر می-آید و با آن برکت همراه می-شود و ازدواج سنتی است که الله سبحانه و تعالی آن را برای بشر قرار داده است و گریزی از آن وجود ندارد و آن شبی ترسناک نمی-باشد و آن دربی از دربهای خیر می-باشد، اگر نیت در آن درست باشد، اما مشکلاتی که

در سر راه جوانان وجود دارد از درست رفتار نکردن مردم است.

باید ازدواج در حد خود باشد، نباید برای آن امور زیادی را طلب نمود و مهریه را سنگین قرار داد و جشنهای آنچنانی برپا نمود و این چنین اعمال را انجام داد، زیرا الله تعالی دلیلی برای آن نازل نفرموده است، بلکه شایسته است تا مراسم ازدواج راحت صورت گیرد.

باید برای مردم روشن شود که این اموری که در سر راه ازدواج است، باعث ایجاد فساد برای پسران و دختران آنها می شود و کار درستی نمی باشد و باید با آن مقابله نمود و آن را آسان نمود تا زندگی گردش داشته باشد.

از الله سبحانه و تعالی درخواست می نمایم تا به تمامی ما منت نهد و زمینه ی توفیق و هدایت ما را میسر نماید و امور مسلمانان را اصلاح گرداند و جوانان مسلمان را صالح کند و منزلت و عزت آنها را به آنان برگرداند. الله سبحانه و تعالی در اول اسلام عزت قرار داد، از او سبحانه درخواست می نمایم تا

آن را برگرداند و منزلت مسلمانان را اصلاح نماید. الله تعالى می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [المنافقون، الآية: ۸] (و برای الله و برای فرستاده‌اش و برای مؤمنان عزت وجود دارد، ولی منافقان [آن را] نمی‌دانند). از الله سبحانه و تعالی درخواست می‌نماییم تا در دین به ما بصیرت عطا نماید و برای ما از شرّ دشمنانمان کافی باشد و صلی الله علی نبینا محمد و علی آله و أصحابه أجمعین، و الحمد لله رب العالمین.